

خلاصه ای برگرفته از پایان نامه

عنوان پایان نامه :

توحید و شرک از دیدگاه شیعه و وهابیت (با تکیه بر کلام عقلی)

استاد راهنما :

خانم فرزانه ذوالحسنى

دانشجویان :

ملیحه آقایی - زهرا حاجی ابراهیم زرگر (کد ۸۵)

وهابیت دیدگاه جدیدی در مذهب سنی حنبلی است و بنیان گذار آن محمد بن عبد الوهاب نجدی است که از علمای عربستان سعودی بوده و خود از لحاظ فکری پیرو ابن تیمیه حرانی می باشد.

تأکید این فرقه بر ظواهر قرآن و حدیث می باشد و تعبیر جدید و منحرفانه ای که این دو از مفهوم توحید و شرک و حدود آن ارائه می دهند ، در هیچ یک از فرق پدید آمده در طول تاریخ اسلام مشاهده نمی شود. تعریف نادرست وهابیت از واژه توحید و انحرافات اساسی وهابیان در این باب باعث شده است که آن ها تنها خود را موحد واقعی بیندارند و مهر شرک بر توحید دیگر مسلمانان بزنند. البته اگر چنان چه توحید را از منظر وهابیان به طور دقیق مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که اعتقاد خاص آن ها در مورد در نظر گرفتن جسم برای خداوند و هم چنین نفی واسطه انگاری ، دیدگاه آن ها در باب توحید را خدشه دار می سازد و چه بسا اطلاق عنوان شرک بر نظر وهابیان در مورد توحید، صادق باشد.

در مطالعه دیدگاه وهابیان و انتقادات آن ها به دیگر فرق اسلامی این نکته مشهود است که محور اصلی این گونه نقد ها ، چنان چه به انگیزه های سیاسی توجه ننمائیم ، بحث توحید و شرک است. به عنوان مثال ایرادات اساسی ای که وهابیان در مسأله توسل به اولیاء و طلب شفاعت ، مطرح می نمایند ، به عدم درک درست آن ها از مفهوم توحید و شرک و در نظر نگرفتن ملاک هایی بسیار مهم در تعیین حد و مرز توحید و شرک می باشد.

ریشه های فکری فرقه وهابیت به زمان احمد بن حنبل بر می گردد هم چنین ، علل و عوامل تاریخی و سیاسی و مذهبی در پیدایش آن موثر بوده اند . بیش از هر علتی انگیزه های سیاسی دولت های استعماری و هم چنین فراهم آمدن قدرت سیاسی برای موسس این فرقه موجب حاکم شدن آن شد .

بحث مقدماتی دیگر در این خصوص بررسی دیدگاه شیعه در بحث توحید و شرک و اقسام آن است . از منظر شیعه به طور کل توحید به دو قسم عملی و نظری تقسیم می شود . توحید نظری به نوبه ی خود به سه قسم ذاتی و صفاتی و افعالی تقسیم می شود . اگرچه تبیین دو مفهوم توحید الوهی و ربوبی هم تأثیر به سزایی دارد .

مسأله ی جسم انگاری برای خداوند انحراف وهابیان در توحید ذاتی و صفاتی است . نکته ی مهم در این جا این است که تفکیک شبهات وهابیان از هم در توحید ذاتی و صفاتی نا ممکن می نماید ، چرا که اصلاً به این اقسام توجهی نداشته اند. بنابراین براساس آن چه که در این باره مطرح کرده اند مطالب آن ها را می توان در قالب این اقسام گنجانند. در توحید افعالی ، فهم انحرافات وهابیان در این مورد ، نقش مهمی در نقد شبهات آن ها در توحید عملی دارد. به عبارتی آن ها تحقق کامل توحید عبادی را در نفی توسل و عدم یاری خواستن از واسطه ها می دانند و در مورد شفاعت هم می گویند که باید از خدا خواست تا شفاعت آن ها را برای ما قرار دهد نه از خودشان .

در بخش سوم تعریف صحیحی از مفهوم عبادت ارائه شده است . اگر حدود و ثغور مفهوم عبادت معلوم شود، عمده ی اشکالات وهابیان در این باره وارد نمی باشد. پیش از بیان اشکالات در باب توسل و شفاعت، وهابیان مقایسه ای بین مشرکان عصر رسالت و به ظن خودشان مشرکان عصر ما که از منظر آن ها شیعیان می باشند ، می نمایند. در این مقایسه آن ها سعی می کنند قائلین به توسل و شفاعت را بسیار بد تر از مشرکان عصر رسالت معرفی نمایند. نهایتاً آن که بگویند که آن ها بیش تر به توحید عبادی ملتزم بودند. پس این بحث هم به تبع تعریف عبادت مطرح می شود.

بعد از بیان این مقدمات شبههاتی که در مورد توسل و شفاعت است مطرح، و مورد نقد قرار می گیرد. در فصل سوم اعمالی که در آن ها تجلیل از اولیاء وجود دارد و توسط وهابیان به عنوان مصادیق شرک شمرده می شود ، جداگانه بررسی می شود. ضمن آن که ارتباط آن با بحث توحید بسیار واضح است و شاید بتوان گفت که همه ی این اشکالات از فهم نادرست آن ها از توحید افعالی نشأت می گیرد. بدین معنا که آن ها در طلب حاجت از اولیاء اذن یا عدم اذن الهی را ندیده می گیرند ، ضمن آن که برای آن فرد قائل به نوعی استقلال از خدا می شوند. در حالی که تفکر شیعی به هیچ عنوان پذیرای این سخنان نمی باشد .